

ادامه از صفحه اول

گمانه‌هایی درباره ریاست مجلس

چه‌کسی به رأی مردم نزدیک‌تر است؟

او در مقام ریاست مجلس یا نماینده، همان نفوذ و اعتبار را دارد. با رئیس شدن او دور تازه‌ای در زندگی سیاسی‌اش آغاز می‌شود. او رئیس مجلسی می‌شود برخاسته از اصولگرایان، اصلاح‌طلبان و تندروها. این موقعیت، او را در جایگاهی فراچنانی قرار می‌دهد. اگر لاریجانی رئیس شود، این دومین چهره سیاسی است که با پتانسیل اصلاح‌طلبان روی کار می‌آید. از یک منظر، این نکته‌ای تامل‌برانگیز است. اما اینکه از این به بعد همواره اصلاح‌طلبان بدنی باشند بدون سر، جای نگرانی دارد. در سیاست رئیس، رئیس است. به‌خصوص اگر این رئیس، رئیسی قدرتمند همچون لاریجانی باشد. او و دیگران حق دارند تا در جریان تحولات، به یکدیگر دور و نزدیک شوند. در این میان برخی از اصلاح‌طلبان و تندروها به او نزدیک‌تر خواهند شد. ایجاد توازن بین نیروها که به اقتدار رئیس مجلس بینجامد، امری بدیهی است که کسی از آن غفلت نمی‌کند. دوری و نزدیکی برخی چهره‌های سیاسی به یکدیگر بیش از اصول، تابع منافع مقطعی است که نه توصیه‌بردار است و نه بخشنامه‌ای.

اما با ریاست عارف، سنخ دیگری از سیاست شکل می‌گیرد. عارف، «اصلاح‌طلبی» را بار دیگر در مجلس احیا می‌کند. اصلاح‌طلبان بدشان نمی‌آید در کنار دولت، حیات مستقلی داشته باشند تا پس از بهبود شرایط سیاسی بتوانند از پتانسیل‌های خود به نفع جریان اصلاحات استفاده کنند. همان‌گونه که روحانی از رأی اصلاح‌طلبان منتفع شد، عارف نیز با حمایت سران اصلاح‌طلب منتخب اول تهران شده است. در این مورد او با حسن روحانی وجه اشتراک دارد. وجه اشتراک دیگر، سازگاری آنها با نهادهای رسمی است و دیگر آن‌که هر دو شخصیتی مستقل و معتدل هستند، پس ریاست عارف برای اعتدالبون چندان ناخوشایند نیست اما برای اصلاح‌طلبان خوشایند است. تصور گرایش دولت به ریاست علی لاریجانی، از نگاه برخی از اطرافیان نه‌چندان نزدیک دولت روحانی ناشی می‌شود. بهتر است شورای هماهنگی ائتلاف امید با سبک‌سنگین‌کردن چیزهایی که فراتر از زمان حال و نفع شخصی است، تصمیماتی اتخاذ کند که آینده اصلاح‌طلبی را هموار کند. تدبیر بعد از ریاست، مهم‌تر از ریاست است. پرسش نهایی اینجاست: ریاست علی لاریجانی برای اصلاح‌طلبان مستقل، مفید فایده‌تر است یا عارف؟ اگر اصلاح‌طلبان شیوه رأی‌گیری را برگزیند تا از میان لاریجانی و عارف یکی را بر کرسی ریاست بنشانند، آیا با پیروزی لاریجانی معادله سیاسی به ضرر اصلاح‌طلبان تمام می‌شود یا به سودشان؟ واقعا چه‌چیزی به ضررشان است؟ اگر مجلس عارف را برگزیند چه؟ اینها پرسش‌هایی است معطوف به آینده. آینده سیاسی اصلاحات را تصمیم اکنون می‌سازد. این تصمیم‌ها هرقدر اصیل و مردمی باشد، مؤثرتر و ماندگارتر است. نباید از نظر دور داشت که عارف با رأی همین مردم که خواستار تغییر بودند، منتخب اول تهران شده است. رأی معنادر و ارزشمند.

امنیت غذایی ومحصولات دست‌کاری شده‌زنتیک

مطالعات دیگری تأثیرات منفی محصولات گوناگون دست‌کاری شده‌ ژنتیک در حیواناتی مانند موش، خوک، گوسفند و ماهی را نشان داده‌اند و اندام‌های تأثیریافته در معده، پاسخ ایمنی و عکس‌العمل آلرژیک، اختلال ایمنی، التهاب معده، سمیت در کبد و کلیه، کبد بزرگ‌شده، اختلال در سیستم گوارش و تغییرات در کبد و پانکراس، رشد بیش از اندازه در لایه سلولی روده، اختلال در روده‌ده، تغییرات در بیوشیمی خون و فلور باکتری روده و پاسخ ایمنی، تغییر در فلور باکتری روده و وزن ارگان‌ها، اختلال گوارشی و جذب مواد غذایی گزارش شده است.از مهمترین خطرات اصلی محصولات دست‌کاری‌شده ژنتیک در محیط زیست، پتانسیل عظیم در ایجاد اخلال در تنوع زیستی گونه‌ها، فرار ژنی و تخریب ذخایر ژنتیکی و سرعت‌بخشیدن به فرسایش ژنتیکی در کشورهایی است که این محصولات را کاشت می‌کنند. با وجودی که هم‌اکنون محصولات دست‌کاری‌شده ژنتیکی در ایران کاشت نمی‌شود، اما کشور ایران سالانه میلیون‌ها تن از این محصولات را از کشورهای برزیل و آرژانتین وارد کرده و به مصرف انسانی و دامی (که درنهایت توسط مردم مصرف می‌شوند)، می‌رسد.

۱۲۰ سال است که بر تکرار زیان اصرار می‌کنیم

تشریح مثلث زیان دولت، کارگران و کارفرمایان در گفت‌وگوی «شرق» با حسین کمالی؛

۱۲۰ سال است که بر تکرار زیان اصرار می‌کنیم

جایی که فقر توزیع می‌کنند نمی‌توان به دنبال ثروت گشت



عکس: ژانوف رستمی، شرق

مسئول است؛ کسی که بی‌کارت است باید به‌سرعت شاغل شود و کسی که کار دارد باید زندگی و درآمد خوب داشته باشد. امکانات در کشور ما آن‌قدر هست که همه جمعیت را پاسخ‌گو باشد. اینکه نمی‌توانیم این موضوع را مدیریت کنیم، ضعف ماست. در حقیقت باید در رفتارها و مدیریت و روش‌هایمان بازنگری داشته باشیم. به‌دلیل نداشتن‌هاست؛ اگر بودجه عمرانی کشور را ۲۰ هزار میلیارد تومان فرض کنیم و دولت ۴۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی داشته باشد، به این معنی است که اگر ۲۰ سال در زمینه فعالیت‌های عمرانی هیچ خرجی نکند، فقط می‌تواند بدهی‌های خود را پرداخت کند. این سیستم اشتباه است و پاسخ‌گو نیست. کسانی که این موضوع را بپذیرد و ارزیابی می‌کنند باید توانایی تجزیه و تحلیل این مسئله را داشته باشند که چگونه راهی بیابند تا از این وضعیت عبور کنند و به اقتصاد واقعی برسند. درباره این نکات با برخی وزیران و شخص رتئیس‌جمهور گفت‌وگو کردم؛ اما اراده‌ای برای خروج از این وضعیت و دستیابی به اقتصاد سودآور، در دولت وجود ندارد.

دولت باید چه کند که درباره آن اراده‌ای به خرج نمی‌دهد؟

اصلاح‌طلبان برای اصلاح ساختار اقتصادی کشور و مزیتی و رقابتی‌کردن اقتصاد برنامه ارائه کرده‌اند که البته این امر به‌معنای سیستم سرمایه‌داری نیست. کشورهایی که امروز با سیستم کمونیستی اداره می‌شوند رقابت را در رأس کارشان قرار می‌دهند؛ یعنی می‌پذیرند کالایشان در صورتی در دنیا در تعامل و رقابت با سایر کشورها می‌تواند عرضه شود که کیفیت بالا و قیمت پایین داشته باشد. نیروهایشان در صورتی می‌توانند اشتغال بیشتری کسب کنند که کالایشان علاوه بر درون مرز در خارج از کشورشان هم به فروش برسد. ما گردش اقتصادی معطوف به سود را نداریم و هر روز زیان بیشتری می‌بینیم، تعداد بسیار زیادی از واحدهای تولیدی تعطیل شده‌اند و تعدادی که باقی مانده‌اند در یک شیف‌ت با کاهش ظرفیت کار می‌کنند؛ باید از این مرحله عبور کنیم. زنگ خطر سال‌هاست که برای ما به صدا درآمده، اینکه گوسمان سنکین شده است و این معضلات را نمی‌بینیم و معضلات مردم را نمی‌شنویم، با باید حلزون گوسمان را عوض کنیم یا باید از سمک استفاده کنیم و این صداها را بشنویم، در غیر این صورت مردم گرسنه می‌مانند. مثلی هست که می‌گوید: «گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله ماست/ آنچه البته به جایی نرسد فریاد است».

حقیقت در اقتصاد کشور، نبود رقابت، باعث زیان همگان شده است. اکنون کارگر، دولت و کارفرما همه یکدیگر را متهم می‌کنند. درحالی‌که به نظر همه عناصر مؤثر در این بحث مظلوم واقع شده‌اند. به‌دلیل فرمول اشتباهی که وجود دارد، همه به هم فشار می‌آورند بدون اینکه راه‌حلی منطقی پیدا کنند؛ مانند زمانی که واقعه سختی پیش بیاید و افراد به‌جای کمک‌کردن به هم برای اینکه از آن مرحله عبور کنند به هم پرخاش کنند و همدیگر را مقصر بدانند.

با به بسته پیشنهادی اصلاح‌طلبان اشاره کردید. از جانب گروه خاصی مطرح شده است؟

از طرف همه اصلاح‌طلبان مطرح شده؛ هدف اصلاح ساختار اقتصادی براساس مزیت رقابت و تخصص است. سامانی نیاز است که همه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی کشور را ارزیابی کند و آنهایی را که سوده هستند شناسایی کند تا آنهایی که می‌توانند در سود کشورها رقابت و توانایی خودشان را عرضه کنند، شناسایی و تقویت شوند. آنهایی را که ضعیف هستند و امکانشان هرز می‌رود به شیوه‌ای بازسازی کنند تا در فعالیتی قرار گیرند که در آن سود دیده شود. تا زمانی که هر روز ضرر جدیدی به ضررهای قبلی اضافه می‌کنیم فعالیتمان بی‌معناست.

این بازسازی بر عهده چه کسی است؟

دولت باید بازسازی کند.

اما دولت بارها گفته پول ندارد.

اول پول نیاز نیست، هرچند پول تلف‌شده زیاد داشته‌ایم. بحث این است که مدیریت عقلانی و صحیح داریم یا نه. برای مثال وقتی می‌گویم رقابت، فقط ادای یک کلمه نیست. درباره مالیات، از مواد اولیه‌ای که وارد کشور می‌شود گاهی تا ۲۰ بار مالیات گرفته می‌شود تا

اقتصاد

اقتصاد

تشریح مثلث زیان دولت، کارگران و کارفرمایان در گفت‌وگوی «شرق» با حسین کمالی؛

۱۲۰ سال است که بر تکرار زیان اصرار می‌کنیم

به تولید برسد. آیا در اقتصادهای دیگر هم همین اتفاق می‌افتد؟ برای نمونه تعرفه‌های گمرکی چه حدی باید داشته باشد؟ بهره بانکی در چه شرايطی، امکان رقابت به تولیدکننده داخلی می‌دهد؟ اگر در کشوری بهره بانکی دو درصد در در کشور من سه درصد باشد و همه عوامل هم برابر باشند، نمی‌توانیم رقابت کنیم. به بحث رقابت توجه کرده‌ایم یا نه؟ فقط یاد گرفته‌ایم به دیگران پرخاشگری و اهانت کنیم، یاد نگرفته‌ایم که شاید فرمول و راه ما اشتباه باشد. برای رسیدن به یک وضعیت خوب، باید شرایط و موقعیت و برنامه درست را انتخاب کنیم. اکنون فقط کار غیرمنطقی انجام می‌دهیم؛ برای نمونه درباره کارگرها، برخی می‌گویند کارگر ایرانی خوب کار نمی‌کند. هیچ‌کس از لحاظ سیستم‌مردی این کارگر را با فرد مشابه خودش در کشوری دیگر مقایسه نمی‌کند. همه مقایسه‌ها مع‌الفارق است. در ژاپن که کشور «کار» است، کارگران ایرانی به‌عنوان کارگران خوب شناخته می‌شوند. کارگران ایرانی در ژاپن بهتر کار می‌کنند؛ چون دستمزدی که دریافت می‌کنند، چندبرابر دستمزد ایران است. اگر پنج‌برابر ایران دستمزد دریافت داشته باشند و دو برابر ایران کار کنند، کارگران خوبی خواهند بود. کارگران افغان اکنون در ایران به سخت‌کوشی و پراکری معروف هستند. اگر در افغانستان هم به این خوبی کار می‌کردند، اکنون افغانستان آباد بود؛ چون درآمدشان در ایران بیشتر از افغانستان است، به سختی کار می‌کنند و انگیزه دارند. ما بدون درنظرگرفتن موضوعات انگیزشی مدام می‌گوییم کارگران کار نمی‌کنند. حرف‌های عامیانه و حساب‌نشده را یاد گرفته‌ایم. تحلیل و بررسی نمی‌کنیم که ببینیم در شرایط مشابه کسانی که بهترند، چه می‌کنند. در هر زمینه افرادی که موفق بوده‌اند، چه کار کرده‌اند. چطور می‌شود کشوری که چیزی ندارد، درآمد سرانه ۴۲هزاردلاری پیدا می‌کند و کشوری جایی‌ماند که کشوری که چند سال قبل جزء فقرا بوده، اکنون در موقعیت کشور کمک‌دهنده قرار می‌گیرد. بررسی و ارزیابی درباره عوامل هم به ما می‌گوید کجای کار ایراد دارد و روش درست کدام است. دولت رفاه مخالفانی دارد. مثل اسپنسر که جزء جامعه‌شناسان خشن شناخته می‌شود. او می‌گفت میل نندارم نظرات دیگران را شنیده و نسبت به آنها آگاهی پیدا کنم. هرکسی میل دارد، نظرات من را بشنود. اسپنسر دولت رفاه را نفی می‌کند و می‌گوید دولت رفاه باعث می‌شود کسانی که ضعیف‌تر هستند، نمیرند. افراد ضعیف به گفته او باید بمیرند و کسانی که قوی هستند، باید بمانند. اصلا کمک کردن به انسان‌های ضعیف خطاست. انسان‌های قوی باید بمانند و نژادشان تکثیر شود. او می‌گوید اگر به انسان‌های ضعیف کمک کردید و آنها را بالا آوردید، در حقیقت به آنهایی که نژاد بهتر و قوی‌تر هستند، ظلم کرده‌اید. یک جامعه‌شناس دیگر می‌گوید دولت رفاه، خواهان آریزانداختن سیستم سوسیالیسم و نجات دولت‌های اروپایی است. درواقع دولت رفاه، ناجی اروپا در مقابل سوسیالیسم است. دولت انگلستان در مقطعی در زمان چرچیل، دولت رفاه را طراحی کرد و در برنامه اجرایی آن قرار داد. می‌خواهم بگویم در وضعیت کنونی در کشور وجود دارد، هیچ‌کدام از این راهکارها برای ما جواب نمی‌دهند. ما باید به اقتصاد معطوف به سود ر بیاوریم؛ یعنی باید چند میلیون شغل ایجاد کنیم. در وضعیت جنگ و بمباران برای اینکه هزینه‌ها را کاهش دهند، می‌گویند کارگران نصف روز کار کنند و حقوقشان تقسیم بر دو شود، با به هدف که همه بی‌کاران مشغول به کار شوند. این جزء سیاستی است که در آن مقطع به کار گرفته می‌شود یا درباره بانزستسکی، مقطع بانزشتسنگی و درصد پرداخت را کاهش می‌دهند تا جوان‌ترها زودتر به سر کار بروند. این کارها مربوط به شرایط بحرانی است.

اکنون هم می‌گویند شرایط بحرانی است.

خبیر. اکنون در شرایط اضطرار جنگ قرار نداریم و شرایط بحرانی نیست. آنچه اکنون نیاز داریم این است که شرايطی را به وجود بیاوریم تا مشخص شود در کشور چه کارهایی سودده خواهد بود و آنها را راه بیندازیم و کارگر، کارفرما و دولت از این سود بهره‌مند شوند. در بحث گردشگری، در ایران جهت‌گشید را داریم. پس تخت‌جمشید برای گردشگری ما مزیت است یا از لحاظ آب‌وهوایی و مسائل دیگر ایران دارای مزیت است. دسترسی به آب‌های دریای خزر و خلیج‌فارس و آب‌های آزاد عمان برای ایران مزیت است. کانال هوایی برای ایران مزیت است. مزیت‌های مختلفی هستند که می‌توان آنها را ارزیابی و شناسایی کرد، و کمیت‌های مربوطه می‌توانند روی آنها برنامه‌ریزی کنند و اقتصادی را در کشور ترویج کنند که سودده باشد. آدم عاقل دنبال زیان نمی‌رود. اگر در مقابل زیان یا تکرار زیان سکوت می‌کنیم، باید به خودمان شک کنیم.

اکنون هم اصرار بر تکرار زیان داریم؟

در ۱۲۰ سال گذشته همین‌طور بوده است.

در ایران جمعیت بی‌کار زیادی داریم و قاعده‌ا دوره‌ای خواهیم داشت که نتوانیم همه را شاغل کنیم. برای آن دوره که جمعیت بی‌کار حضور دارند، باید چه کارکرد؟

طرحی را در این زمینه تهیه کرده و به رئیس‌جمع تشخیص مصلحت نظام ارائه داده‌ایم که به ترتیب به رئیس‌جمهور، معاون اجرایی و وزارت کار ارجاع داده؛ اما در آنجا بدون استفاده، بایگانی شد. این طرح می‌گفت یارانه‌هایی که بین مردم توزیع می‌شود، چطور انجام شود. بی‌کاران چه تعداد هستند و چقدر مقرر می‌کاری روستایی، دریافت کنند. بخشی از منابع هم برای اشتغال گذاشته بودیم.

ادامه در صفحه ۱۸

۱۲۰ سال است که بر تکرار زیان اصرار می‌کنیم

۱۲۰ سال است که بر تکرار زیان اصرار می‌کنیم

امیدواری برای فعال شدن سوییف



● در ششمین هفته کاری در سال ۱۳۹۵ شاخص کل با کاهش ۳۷۱ واحدی نسبت به هفته گذشته مواجه شد و به عدد ۷۸هزارو ۳۴ واحد رسید. شاید مهم‌ترین تغییر در آمارها افزایش ۲۸درصدی حجم معاملات نسبت به هفته قبل آن بوده است که می‌توان نشانه‌ای خوب برای بهبود روند بازار در هفته آینده دانست. افزایش حجم معاملات در کنار افزایش حدود ۱۶درصدی تعداد معاملات بوده است. در هفته گذشته محصولات کاغذی با ۲۰ درصد، استخراج زغال‌سنگ با ۱۲ درصد، انتشار چاپ و تکثیر با ۱۰ درصد، استخراج سایر معادن با ۱۰ درصد، ساخت محصولات فلزی با ۹ درصد و مخازرات با چهار درصد بیشترین تغییر مثبت در شاخص صنایع را نسبت به سایر گروه‌ها به خود اختصاص دادند. به نظر می‌آید بازار با توجه به افت‌های هفته‌های اخیر هنوز در روند رشدی خود که از فصل زمستان سال گذشته آغاز شده است، قرار دارد. البته اخبار مثبت زیادی در هفته‌های اخیر منتشر شده است که از جمله آنها می‌توان به تلاش‌های مجدانه دیپلمات‌ها و فعالان اقتصادی برای رفع مشکلات اجرای عملی برجام اشاره کرد. امید است یکی از مهم‌ترین گره‌های پسابرجام که بحث اتصال عملی سیستم بانکداری ایران با بانک‌های خارجی از طریق سوییف است، به‌زودی باز شود. در این راستا انتقال ۵۱میلیار دلار از طریق سوییف به بانک خاورمیانه برای معامله بلوکی شرکت «پاک‌وش» باعث امیدواری فعالان بازار شد. به نظر می‌رسد اندک‌اندک نقش سرمایه‌گذار خارجی در بازار سرمایه کشور برترنگر می‌شود، خریدهای عمده سهام شرکت‌ها در کنار اخبار ورود صندوق‌های سرمایه‌گذاری خارجی، خود گوید بازشدن درجه‌ای جدید به روی بازار سرمایه کشور است که نیاز است سرمایه‌گذاران خیلی دقیق این تحرکات را زیر نظر داشته باشند. از جمله اخبار و اتفاقات مهم هفته گذشته می‌توان به چند مورد اشاره کرد که شامل خبر افزایش سرمایه برخی نمادهای برطرفدار این روزه‌ای بازار مانند خودرو در دراین‌باره ریاست سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام کرد موضوع تجدید ارزیابی دارایی‌ها در بودجه امسال و قانون مالیات‌های مستقیم آورده شده و براساس آن نیاز است تا استانداردهای حسابداری مطابق با روش‌هایی که در همه کشورها متداول است، تطبیق پیدا کند. ادامه رشد قیمت فلزات و سنگ‌ان نیز دیگر رویداد مثبت این روزها بوده است. ادامه روند کاهش نرخ تورم در فروردین‌ماه و نیز احتمال کاهش سود بانکی، نزدیک‌شدن به زمان اجرای ارز تخرنجی و نیز دریافت مالیات از سود سپرده‌های بانکی، خبرهای مهمی است که قطعا با تحقق تأثیرات مهمی روی بازار سرمایه خواهد گذاشت. به‌هرحال، با توجه به شرایط تثبیت شاخص در هفته‌های گذشته، به عقیده بسیاری از کارشناسان بهترین استراتژی نگهداری سهام و پرتانسیل نیادی و بهینه‌کردن پرتفوی سهام و پرهیز از نوسان‌گیری است.

عنوان شاخص	۱۸ اردیبهشت	۱۵ اردیبهشت	تغییر
کل	۷۸۴۰۴۷	۷۸۵۳۳۸	۳۷۰٫۹-
شاخص قیمت	۲۹۵۳۹۴	۲۹۴۴۰۸	۱۵۲٫۶-
شاخص کل (میان)	۱۳۶۸۶٫۶	۱۳۸۵۷٫۲	۱۲۰٫۶-
شاخص قیمت (معادن)	۱۱۴۵۱	۱۱۵۳۸۵	۸۶٫۵-
آزادشاور	۸۷۹۷۹٫۱	۸۷۱۲۸۸	۸۵۰۳۵-
۵۰شرکت بزرگ	۳۱۵۵۱	۳۱۳۶۰۴	۱۸۷-

طلا و ارز

وعده‌دوباره خیز طلا

● شرق: قیمت طلا که روز چهارشنبه هفته گذشته به هزارو ۲۸۰ دلار رسیده بود، در روز جمعه با افزایش مواجه شد و تا هزارو ۲۸۹دلارو ۳۰ سنت افزایش پیدا کرد. این افزایش قیمت در سایه آمارهای اشتغال ماه آوریل است که قرار است جمعه منتشر شود که تا لحظه نگارش این خبر، آماری منتشر نشده است. هم‌سو با خبر افزایش، یک تحلیلگر برجسته بازار طلا تأکید کرد قیمت طلا از افزایش سفته‌بازی در ماه‌های نخست ۲۰۱۶ میلادی بهره‌مند شده و به نظر من قیمت این فلز گرانبها در بلندمدت به سطح هزارو ۵۰۰ دلاری نزدیک خواهد شد.

ارز	قیمت (دولار)	تغییر
دلار آمریکا	۲۴۵۰	۵-
یورو	۳۹۶۷	۲۳-
پوند	۵۰۴۰	۵۸-
درهم	۹۴۲	۲-
طلا و سکه	قیمت	تغییر
طرح جدید	۱۰۳۷۰۰۰	۴۰۰۰-
طرح قدیم	۱۰۳۶۰۰۰	۵۰۰۰-
نیم	۵۳۷۰۰۰	۱۰۰۰-
ربع	۲۹۱،۰۰۰	۲۰۰-
گرمی	۱۹۹،۰۰۰	-
گرم ۱۸ عیار	۱۰۶،۰۰۰	۷۰۰-
اونس (دالر)	۱۲۸۹،۳	۲٫۹+